

ملمعات ترکی - فارسی مولانا

نوشتہ مجدد منصور اوغلو

ترجمہ اصغر دلبری پور



پروفیسر شاکار علی مراد انسانی و مطالعات فرہنگی

پروفیسر سلیم انسانی

دیوان شاعر عارفه جلال‌الدین رومی^۱ که در قرن ۱۳ میلادی در قونیه می‌زیست، در بردارنده تعدادی شعر ترکی و همچنین برخی ملمعات ترکی - فارسی است.^۲ شرف‌الدین در سال ۱۹۳۴ به نشر این ابیات و واژه‌های ترکی موجود در مثنوی و دیوان کبیر همت گماشته^۳ و برای تهیه مطالبی درباره مثنوی، به طبع استانبول (۱۲۸۹)، در مورد رباعیات، به طبع استانبول (۱۳۱۲) و درباره دیوان کبیر، به ۹ نسخه خطی که مورد استفاده من نیز بوده‌اند، مراجعه کرده است. بدین طریق معلوم شده است که ابیات ترکی و ملمعات فارسی - ترکی تنها در دیوان کبیر موجود بوده و در سایر آثار فقط تعدادی واژه ترکی آمده است. در بررسی این نخستین اثر ترکی آسیای صغیر، اصول فنی نقد مراعات نشده و نواقصی به شرح زیر در آن به چشم می‌خورد:

۱- واژه‌های ترکی در منظومه‌های مولانا عناصری هستند که سایر فارسی نویسان آن دوره نیز به کار می‌برده‌اند.^۴ بدین سبب، این کلمات، جملات و عبارتهای ترکی که از نظر جمله‌سازی از عناصر زبان ترکی هستند، باید جداگانه مورد مطالعه قرار گیرند.

۲- شرف‌الدین در نوشته‌اش پاره‌ای شعر به مولانا نسبت داده که از نقطه نظر زبان، هنر، سبک و موضوع سنخیتی با اشعار وی ندارد.

۳- به سبب اینکه در تبیین ابیات ترکی روش درستی دنبال نشده، تعدادی از واژه‌ها تصریح نگشته و در نتیجه در ترجمه

سستی‌هایی به چشم می‌خورد. به همین جهت است که در این مقال با توسل به نسخه‌های خطی اصیل و نسخه‌هایی که اصالتشان مخدوش نشده است، یک بار دیگر ابیات و عبارات ترکی مولانا مورد بررسی قرار می‌گیرد. شرف‌الدین در مقاله خود ۱۷ منظومه ترکی - فارسی به مولانا نسبت داده که به نظر ما تنها ۱۰ منظومه حاوی ویژگیهای لازم است.

زبان و طرز نگارش این ابیات ترکی متفاوت از ترکی قرن ۱۵ و ادامه آن (ترکی آسیای صغیر) است. در واژه‌های خشن، صدای سین به جای اینکه با حرف «ص» نشان داده شود با حرف «س» نشان داده شده است. برای نشان دادن صداهای «ج» و «پ» بیشتر از «ج» و «ب» استفاده شده و صدای «ن» با حروف «نک» آمده است.

برخی از ضمایم ولواحق که سر هم نوشتن آنها مجاز است، جدا نوشته شده‌اند. اینها همه از ویژگیهای خط اویغور است. در عوض، حذف حروف صدا دار در اغلب موارد، استعمال تونین به جای صداهای آن و این، استفاده از «نک» برای نمایاندن صدای «ن» که در این منطقه معمول بوده است، دلیل بر این است که در آن دوره خط اسلامی تاثیر خود را شروع کرده بود. همچنین در این ابیات کلمات زیادی وجود دارد که نشان آنها را می‌توان در زبان مکتوب ترکی قدیم مشاهده کرد. با این همه، وجود پاره‌ای از کلمات رایج میان اوغوزها و قبایلی از ترکان که به شیوه آنان صحبت می‌کردند، این ابیات و تعابیر را از زبان ترکی قدیم متمایز می‌سازد.

از میان نسخه‌های خطی منظومه‌ها هیچ کدام به عنوان نسخه اصل انتخاب نشده و تنها با استناد به این نسخ سعی شده است تا متن قریب به اصل بدست آید.^۵ اختلاف نسخ نیز تنها در مورد ابیات ترکی

نشان داده شده است.^۶

۱ کلسن بنده سنا نک غرضم یوق اشدرسن
قلسن انده یوزدر یلنوزقنده قلسرن

چلی در قمو درلک چلیا کل نه کزرسن
چلبی قل لرن استر چلبی نه سنرسن

نه اغردر نه اغردر چلب اغزندا قغرمق
قلغن آج قلغن آج بله کم انده دلرسن

وزن: رمل
باید به اینجا بیایی، هیچ نیت بدی برای تو
ندارم. می‌شنوی؟

تمام حیات، شیخ طریقت است، بیا به
سوی خدا، چه می‌گرددی؟ شیخ طریقت
مردانش را می‌خواهد، او را چه فرض
می‌کنی؟

چه سعادت‌ی که انسان از سوی خدا دعوت
شده، گوشت را بازکن، گوشت را بازکن،
باشد که از آن پریشنوی.

۲ کجکنن اغلن هی بزه کلکل
دغدن دغدا هی کزه کلکل
آی بکی سنسن کن بکی سنسن
بی مزه کلمه با مزه کلکل

وزن: متقارب
هی پسرک بیا به سوی ما، از کوه و کوهسار
به سوی ما بیا
تو همچون ماه و خورشیدی، بی‌نشسته میا، با

کجکنن اغلنن اودیا کلکل
یول بولمسک دغدغ کزکل

اول چجکی کم یازده بلدک
کمسیه ورما خصمنا ورکل

وزن: متقارب

پسرک بیا به اطاق، اگر راه را پیدا نتوانی
کرد، کوه به کوه بگرد
گلی که در صحرا یافتی را به کسی مده، آن
را به نزدیکترین کسانت بده

اقچلردر کزلری خوش نسا اول قشلی
الدرر یز سواری کمدر اول الب ارسلان

وزن: مدید

چشمه‌ایش تیراندازانند و ابروانش دوست
داشتنی. صد سرباز می‌کشد. کیست او؟
الب ارسلان. (معمای منظوم)

اگر کیدر فرندش یقس یاوز
ازون یلده سکا بودور قلاوز

وزن: هزج

برادر، اگر خوب باشد و یا بد، او در این راه
رهبر توست
چوپان! محکم بایست. گرگان زیادند. ای
سیاه چرده من! از من بشنو. ای سیاه چرده
من! فرقی نمی‌کند که عجم، رومی و یا ترک
باشی، زبان بی‌زبانان را بیاموز.

دانی که من بعالم یلغز سنی سورمن
چون در برم نیایی اندر غمت اولورمن

من یار با وفایم بر من جفا قلورسن
گر تو مرا نخواهی من خود سنی دلرمن



می‌خوری، من چون سگان کویت دنبال تو
می‌گردم.

به غمزات بگو که خون مرا نریزد، والا
از دستت شکایت خواهم کرد.

هردم به خشم می‌آیی و می‌گویی دور شو از
کنار من، من روی سخت می‌کنم و در
کنارت می‌ایستم.

می‌خواهم روزی تک و تنها در کنارت
بنشینم، تو شراب بخوری و من قهوز بنوازم.
ای سرور من، آن شب که مست و خراب به
خواب اندر شوی لب شیرینت را به دندان
سیر خواهم مکید.

ای جان من روزی که روی چون ماهت را
نبینم، نشان کویت را از هر کسی می‌پرسم.
گفتند که ماهی چون شمس تبریز غیبت
کرده است، سراغ او را از دیگران نگیرید که
من خود به جستجویش می‌روم.

۷

فرمای غمزات را تا خون من نریزد
ورنی سنک‌الکدن من یرغویه بررمن

هر دم بخشم کویی برغل بنم قتمدن
من روی سخت کرده نزدیک تو دررمن

روزی نشست خواهم یلغز سنک قتکده
هم سن جفر اچرسن هم من قیز جلرمن

آن شب که خفته باشی مست و خراب شاها
نوشین لبست بدندان قی قی تدرمن

روزی که من نبینم آن روی همچو ماهت
جانا نشان کویت از هر کسی صوررمن

ماهی چو شمس تبریز غیبت نمود گفتند
از دیگری نپرسید من سویلدم اررمن

وزن: مضارع
ای ترک ماه چهره چه می‌شود که هر صبح
به حجره من بیایی و بگویی که بیابانه نزدیک
من.

وزن: مضارع
تو ماه ترک هستی و من اگر چه ترک نیستم،
آن قدر می‌دانم که در زبان ترکی به آب "سو"
می‌گویند.

ای ارسلان! برای ریختن خونم خنجر
مکش. عشقت تمام اعضای بدنم را فرا
گرفته است.

ابروه‌های زیبای کمایت بر ما افسون

روزی جو ماه دارای من شاد دل ازانم
زان شکر لیانت بر اپکنک دلرمن

تو همچون شیر مستی داخی قائم اچرسن
من چون سگان کویت دنبال تو کزرممن

وزن: مدید
ورنی سنک‌الکدن من یرغویه بررمن

هر دم بخشم کویی برغل بنم قتمدن
من روی سخت کرده نزدیک تو دررمن

روزی نشست خواهم یلغز سنک قتکده
هم سن جفر اچرسن هم من قیز جلرمن

آن شب که خفته باشی مست و خراب شاها
نوشین لبست بدندان قی قی تدرمن

روزی که من نبینم آن روی همچو ماهت
جانا نشان کویت از هر کسی صوررمن

ماهی چو شمس تبریز غیبت نمود گفتند
از دیگری نپرسید من سویلدم اررمن

وزن: مضارع

می‌دانی که در جهان تنها تو را دوست دارم،
وقتی در کنارم نباشی از غمت می‌میزم

من یار باوفایی هستم و تو به من جفا
می‌کنی. اگر مرا نخواهی، باز در آرزویت

هستم. رویی چون ماه داری، دلم از آن
سبب شاد است. در آرزوی بوسه‌ای از

لبهای شکرینت هستم.
تو بسان شیری مست هنوز خون مرا

می‌خواند. ای که یارت در کنارت نیست، او کجاست؟ جستجو کن.

دستور خاموشی از تو شنیدم و خاموش شدم، ولی رنگ و بوی این عشق برای رسوایی من کافی است. (خاموش اشاره به تخلص شاعر است رتیر ص ۱۲۴)

۸

مرا یاریست ترک جنگجویی
که او هر لحظه بر من یغی بلغی

هر آن نقدی که جنس دید با من
ستاند او زمن تا جفی بلغی

بنوشد جفر و آنکه بگوید
تلا لا لای تلا ترلم تلا لای

کل ای ساقی غنیمت در بودم نی
که فردا کس نداند که نه بلغی

الا ای شمس تبریزی نظر قل
که عشقت آتشست و جسم ما فی

وزن: هزج

یار ترکی دارم که جنگجوست و هر دم به دشمنی با من برمی‌خیزد.

هر پولی که می‌بیند به وقت شروع غوغا از من می‌گیرد.

شراب می‌نوشد و سپس تلا لا لای تلا ترلم تلا لای می‌خواند.

ساقی بیا که در این دم نی غنیمت است، کسی نمی‌داند فردا چه خواهد شد

ای شمس تبریزی! نگاه کن که عشقت آتش است و جسم ما، نی.

۹

رسید ترکم و با چهره‌های کل وردی بکفتمش چه شد آن عهد گفت اول وردی

بکفتمش که یکی نامه به دست صبا بدادم ای عجب آورد گفت کستردی

بکفتمش که چرا بیکه آمدی ای دوست بگفت سیریدی یولدا یولداشم اردی

۲- بعضی از منظومه‌های جلال‌الدین رومی که همراه با منظومه‌های فرزندش سلطان ولد چاپ شده عبارتند از:

Veled Celebi, Edebiyat-i islamiye: Necip Asim, Türk tarihi, Istanbul 1316, 439 - 442

Veled Celebi, sultan Veled hazrellerinin: türkce siirleri: Türk Derneği (1327), 7 - II Ve 41 - 45; M. Martinovitz Celâleddin Rumi'nin türkce manzumelerini Archeol.Obs. XXVI (1917), 205 - 232.

3- *Mevlâna'da türkce kelimeler ve türkce siirler: TM IV (1934), III - 168.*

۴- برای واژه‌های ترکی در فارسی جدید نگاه کنید به:

F. Köprülü, Yeni farisîde Türk unsurlar: TM VII - VIII (1942), I - 16

۵- نسخه‌هایی که برای تهیه این نوشته مورد استفاده قرار گرفته‌اند عبارتند از:

H: Istanbul Halis EF. kitapligi 724 - 4836 (23x14, 27 str., talik, kopyesi 1059).

M 1: konya Müze K. 2113 (tavsifi için Ritter, a.e., 146.S.bk.)

M2: konya Müze K. 2114 (tavsifi: Ritter, a. e., 146. s.)

R: Istanbul Rıza ps. K. 334 (20x12, 25 str., talik).

U 1: Istanbul Umumî K. 3786 (18x13,19 str., nesih, satin alinisi 1081).

U2: Istanbul Umumî K. 3349 (25x17,25 str., nesih, kopyesi 1285).

U 3: Istanbul Umumî K. 3350 (tavsifi: Ritter, a.e., 149.s.).

Z: zahir EF. (sahsa ait, tavsifi: Ritter, a.e., 145.s.).

وزن: مجتث

ترک من آمد و با چهره‌ای اخم‌آلود گفت: «گل رسید». به او گفتم: وعده‌ای که داده بودی، چه شد؟ جواب داد که «او رفت».

به او گفتم: «نامه‌ای به وسیله صبا فرستاده بودم، آیا آورد؟» گفت: «نشان داد».

به او گفتم: «محبوبم چرا دیرآمدی؟» جواب داد: «دوستم بیمار بود و در راه خسته شد».

۱۰

آن یکی ترکی که آید کویدم هی کیمسن

وزن: رمل

هر ترک که می‌آید از من می‌پرسد «خوبی؟»

یادداشتها

* به نقل از

Türk Dili Ve Arast. yilligi 1954 و ۲۳۰-۲۷۰ صفحه

۱- برای اطلاع از شرح حال شاعر نگاه کنید به:

H. Ritter, Philologica. XI. Maulana G ^ alaladdin Rûmi und sein kreis: Der Islam XXVI (1940 - 1942), 116 - 158, 221 - 249. Mev. lâna Gelâleddin Rumî ue etrafindakiler:

در *TM VII - VIII (1942), 268 - 281.* چاپ شده است.